ISSN: 2008-8000

Indexes for Measuring Justice in Higher Education[1]

Ahmadreza Roshan

Corresponding Author:

Assistant Professor of Financial Management and Economics, Higher Education Management Studies Dept., Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

E-mail: a.roshan@irphe.ac.ir

Abstract

Objective: Justice, along with freedom, is one of the most important human values. Governments, societies, organizations and social institutions gain their legitimacy from justice. In the field of education, the world community is moving towards the implementation of the paradigm of "higher education for all" in order to achieve justice. This approach considers higher education as a right for individuals. One of the most important steps to promote justice is to identify and determine its indicators so that policy making, planning and evaluation can be done in a way that can result in improvement of justice in higher education based on those indicators. Therefore, the purpose of this study is to introduce and to classify the indices and indicators of justice in higher education. By doing so, officials can think more coherently about justice in higher education.

Materials and methods: The present research is a descriptive-analytical study. Collecting research data was done by using two methods of documentary research and focus group. In this research, seven higher education officials and managers as well as experts with specializations in higher education, educational management, economics and educational philosophy participated as members of the focus group, and their opinions were collected during two sessions. Data analysis was done using the content analysis method until reaching the theoretical saturation. Finally, the justice indicators were divided into four categories and 50 indicators.

Results: Justice indices categorized in four groups: a) individual index (student) with 16 indicators, b) organizational index (university and higher education institutions) with 7 indicators, c) financial and economic index (micro and macro level) with 10 indicators, and d) the comparative index (international comparison) with 17 indicators.

Conclusion: A fair higher education system can have two main approaches: a) trying to reduce the difference between individuals, groups and organizations, and b) maximizing the minimum. At the same time, as long as a society is based on unequal structures in obtaining privileged political, economic and social opportunities, we cannot speak of justice in higher education. Fair reforms by using the four indicators listed in this article will bring complete results when other political, economic and social areas are also reformed at the same time.

Keywords: indices and indicators of justice, university, higher education, social justice, educational justice

[1] The current article is taken from a research project entitled "Justice in Higher Education " which was conducted in the Institute for Research and Planning in Higher Education.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی[۱]

احمدرضا روشن *

نویسنده مسئول: استادیار گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

رایانامه: a.roshan@irphe.ac.ir

چکیده

هدف: عدالت در کنار آزادی، از مهم‌ترین ارزش‌های بشری است. حکومت‌ها، جوامع، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، مشروعیت خود را از عدالت کسب می‌کنند. در حوزه آموزش، جامعه جهانی در راستای تحقق عدالت به سمت اجرای پارادایم «آموزش عالی برای همه» پیش می‌رود. این رویکرد، آموزش عالی را به‌مثابه یک حق برای افراد قلمداد می‌کند. ازآنجاکه یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای ارتقای عدالت، تشخیص و تعیین شاخص‌های آن است تا سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارزیابی در جهت بهبود وضعیت عدالت در جامعه در حوزه آموزش عالی بر اساس آن شاخص‌ها انجام گیرد، لذا هدف این مطالعه، معرفی و دسته‌بندی شاخص‌ها و نشانگرهای عدالت در آموزش عالی است تا مسئولان با انسجام فکری بیشتری در باب عدالت در آموزش عالی بیندیشند.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی[۲] است. گردآوری داده‌های پژوهش با استفاده از دو روش تحقیق اسنادی و گروه کانونی انجام شد. در این پژوهش، هفت نفر از مسئولان و مدیران آموزش عالی و نیز صاحبنظرانی با تخصص‌های آموزش عالی، اقتصاد و فلسفه آموزشی به‌عنوان اعضای گروه کانونی شرکت داشتند که طی دو جلسه، نظرات آن‌ها جمع آوری شد. تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوا تا دستیابی به مرحله اشباع انجام گرفت و در نهایت، شاخص‌های عدالت به چهار دسته و ۵۰ نشانگر، تقسیم‌بندی شدند.

یافته‌ها: شاخص‌های عدالت در چهار گروه: الف- شاخص فردی (دانشجو) با ۱۶ نشانگر، ب- شاخص سازمانی (دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی) با ۷ نشانگر، پ- شاخص مالی و اقتصادی (سطح خُرد و کلان) با ۱۰ نشانگر و ت- شاخص تطبیقی (مقایسه بین‌المللی) با ۱۷ نشانگر تقسیم‌بندی شد.

نتیجه‌گیری: یک نظام آموزش عالی عادلانه می‌تواند دو رویکرد اصلی داشته باشد: الف- تلاش برای کاهش تفاوت بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و ب- حداکثر نمودن حداقل‌ها. درعین‌حال تا وقتی یک جامعه مبتنی بر ساختارهای نابرابر در به دست آوردن فرصت‌های ممتاز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، نمی‌توان از عدالت در آموزش عالی سخن گفت. اصلاحات عادلانه با به‌کارگیری شاخص‌های چهارگانه برشمرده شده در این مقاله، زمانی نتایج کاملی به بار خواهند آورد که هم‌زمان سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز اصلاح شده باشند.

واژه های کلیدی: نشانگرها و شاخص‌های عدالت، دانشگاه، آموزش عالی، عدالت اجتماعی، عدالت آموزشی

[۱] - این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «عدالت در آموزش عالی» است که در مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی انجام گرفته است.

[2] Descriptive - Analytic Study

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

مقدمه

نابرابری و بی‌عدالتی از مهم‌ترین آلودگی‌های جوامع بشری است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷). ازاین‌روی، مسئله مشترک بسیاری از دانش-های تجویزی و علمی در حوزه‌های مطالعاتی انسانی و اجتماعی همانا مسئله عدالت قلمداد می‌شود (عریضی و گل‌پرور، ۱۳۸٤). درعین‌حال، عدالت و برابری یکی از مفاهیم در معرض خطر است (نوئل و ترین[1]، ۱۳۸٤)، بدین معنا که ممکن است سوء تفاهم‌ها و سوءبرداشت‌های زیادی از آن صورت گیرد. همچنین، ابهام و دشواری در تعریف عدالت و تعیین مصادیق آن، سبب سوءاستفاده‌های زیادی از موضوع عدالت می‌شود. به‌عنوان‌مثال، مغالطه بزرگ از تقلیل حوزه عدالت به مسائل معیشتی و تحریف آن از توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های اقتصادی و معیشتی به اعطای اعانات و صدقات ناشی می‌شود. در میان این جو عدم شفافیت، آنچه مسلم است این است که باید به نظارت مستمر و بررسی انتقادی پیش‌فرض‌های خود برای درک و نزدیک شدن به عدالت ادامه دهیم (مگوایر[2]، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، لازم است مطالعات متعددی در باب کالبدشکافی مفهوم عدالت به‌طور اعم و در شاخه‌های علمی مختلف، به‌طور اخص و ازجمله در حوزه آموزش و آموزش عالی صورت گیرد. عدالت مفهومی صرفاً فلسفی و نظری نیست بلکه پدیده‌ای است معطوف به عمل (شریف‌زادگان، ۱۳۸٦)؛ به همین دلیل، برای ایجاد تغییرات اثربخش، باید به مسائل عدالت آموزشی در سطح سیاسی و عملی[3] بپردازیم (جارف[4]، ۲۰۱۹). درعین‌حال، عدالت و برابری، ارزشی‌هایی پیچیده و چندوجهی هستند که به‌راحتی قابل ترجمه به سیاست عمومی و سیاست‌گذاری نیستند (نوئل و ترین، ۱۳۸٤). گرچه برابری مطلق به بی‌عدالتی می‌انجامد، اما در مجموع، هرچه نابرابری کمتر باشد، جامعه عادلانه‌تری داریم. ازاین‌روی، می‌توان گفت یکی از وجوه عدالت عبارت است از کمترین تفاوت ممکن بین افراد و گروه‌ها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی.

به علاوه، دوام اغلب جوامع منوط به مشروعیت پایدار و گسترده نهادهای اساسی آن‌هاست. عدالت، اگر مترادف با مشروعیت نباشد، قطعاً یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن است (کلارک و گینتیس[5]، ۱۹۷۸). به‌عبارت‌دیگر، حکومت‌ها، جوامع و نهادهای اجتماعی، مشروعیت خود را از عدالت می‌گیرند. به همین خاطر، به‌عنوان‌مثال، یک انگیزه اصلی برای بسیاری از اقتصاددانان، یافتن راهکارهایی برای مسئله عدالت اجتماعی بوده است، چراکه در نهایت، تحلیل‌های اقتصادی ابزاری برای بهبود زندگی بشر محسوب می‌شوند (فلوربی[6]، ۲۰۱۹). به علاوه، عدالت آموزشی به دلیل اینکه در چارچوب نظریه سرمایه انسانی؛ بازار کار و تحصیلات را به هم مرتبط می‌کند و به‌طور معمول، تحصیلات بیشتر می‌تواند به ارتقای جایگاه اجتماعی افراد کمک نماید، لذا دسترسی به آموزش عالی هم دارای ابعاد مرتبط با عدالت اقتصادی و هم مرتبط با عدالت اجتماعی است.

به‌طور کلی، دو رویکرد اصلی می‌توان برای مقوله عدالت در نظر گرفت: رویکرد عام و رویکرد خاص. در رویکرد عام به عدالت؛ سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی برای همه مردم بدون مستثنا کردن گروهی خاص اعمال می‌گردد. در این رویکرد، عدالت به‌مثابه یک کالای

[1] Noël & Thërein

[2] Maguire
[3] Political and practical level
[4] Järf
[5] Clark & Gintis
[6] Fleurbaey

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

عمومی در نظر گرفته می‌شود که شامل همه آحاد یک کشور است[۱]. از دیدگاه دوم یعنی رویکرد خاص به عدالت، دولت تنها عده‌ای مشخص را هدف اجرای عدالت قرار داده و سیاست ها، برنامه‌ها و اقداماتی را در جهت کاهش نابرابری‌ها انجام می‌دهد[۲]. مطابق علم اقتصاد بازار آزاد، یکی از کارکردها و یا فعالیت تولیدی دولت، عرضه کالای عمومی[۳] است یعنی ارائه کالاهایی[٤] که برای بقای جامعه ضرورت دارد و بخش خصوصی قادر یا مایل به تولید و عرضه آن‌ها نیست. حتی در کشورهای پیشرفته که مبتنی بر اقتصاد آزاد هستند، استقرار عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تکالیف دولت‌ها محسوب می‌شود. در مطالعه حاضر، عدالت به‌عنوان یک کالای عمومی، این‌گونه تعریف شده است: عدالت عبارت است از فراهم آوردن وسایل رشد و پیشرفت انسان‌ها در جهت تحقق اهداف فردی آن‌ها و یا کاهش موانع رشد افراد. عدالت شامل رویه‌ها و سیاست‌هایی به منظور دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع برای افرادی است که در نبود آن رویه‌ها و سیاست‌ها ممکن بود طرد یا به حاشیه رانده شوند. مثلاً افرادی که دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی هستند و یا اعضای گروه‌های اقلیت.

در قلمرو آموزش، طی سالیان گذشته نقش و اهمیت عدالت اجتماعی در اداره و رهبری آموزشی به‌عنوان یک موضوع غالب در سطح بین‌المللی مطرح بوده است، چراکه حتی در کشورهای پیشرفته نیز نگرانی‌هایی در مورد فرسایش عدالت وجود دارد. این نگرانی‌ها طیف وسیعی از موضوعات و ابعاد مختلف عدالت اجتماعی در آموزش را پوشش می‌دهد. موضوعات متعددی مرتبط با عدالت اجتماعی در حیطه آموزش قلمداد می‌شوند، از جمله: حقوق بشر، حمایت از آزادی و کرامت انسان، ضدیت با نژادپرستی، شمولیت، دسترسی، فرصت‌های برابر، کالای عمومی، برابری و انصاف[۵] (تساوی حقوق)، مقابله با بازاری شدن آموزش[٦]، رهبری توزیع‌شده[۷] و آگاهی بخشی به مدیران مؤسسات آموزشی در زمینه عدالت اجتماعی (سامیر[۸]، ۲۰۱٦). ازآنجاکه همه دانشگاهیان باید برای همگام شدن با تغییرات و کنترل آینده خود تلاش کنند، توجه به آینده عدالت اهمیت دارد، چراکه تمرکز بر بررسی تحولات آتیه به‌خودی‌خود می‌تواند نقشی مولد و سازنده در زمان حال داشته باشد. به علاوه، آموزش عالی نئولیبرال[۹] در حال اشغال و تصرف آینده و تسلط بر آن است. با بررسی دقیق و همه‌جانبه نئولیبرالسیم متوجه می‌شویم که برابری و عدالت اجتماعی در بخش آموزش عالی در معرض تهدید قرار گرفته است (متیو و بنت[۱۰]، ۲۰۲۰). به‌عنوان نمونه، اصلاحات مبتنی بر بازار و خصوصی‌سازی در کشورهای شمال اروپا پیامدهای زیانباری برای عدالت آموزشی داشته، چراکه عموماً سیاست‌های مبتنی بر بازار و خصوصی‌سازی در تضاد با آموزش عادلانه و برابر است (جارف، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، یکی از موضوعاتی که در زمان حال و در آینده باید به آن توجه شود، مسئله کالایی شدن برابری و عدالت اجتماعی[۱۱] در آموزش عالی است (اوسی-کوفی و همکاران[۱]، ۲۰۱۰).

---

[۱]- مثلاً امنیت، یک کالای عمومی است که نمی‌توان عده‌ای از مردم را از آن محروم ساخت و امنیت را فقط برای عده‌ای خاص فراهم نمود. عدالت در معنای عام نیز به همین گونه است. به‌عنوان‌مثال، برابری فرصت مفهومی است که در این مقوله می‌گنجد.

[۲] سیاست های مالیاتی حامی محیط زیست یا پرداخت یارانه برای حمایت از صادرات و یا در نظر گرفتن سهمیه ورود به دانشگاه برای حمایت از گروه های مورد نظر (که نوعی اقدام مثبت یا Affirmative action قلمداد می‌شود)، مثال‌هایی از رویکرد دوم است.

[3] Public good

[٤] طبق تعریف، کالا (Good) عبارت است از اقلامی که برخی نیازها و خواسته‌های انسان را برآورده می‌کنند.

[5] Equality and equity
[6] Marketization of education
[7] Distributed leadership
[8] Samier
[9] Neo-liberal higher education
[10] Matthew & Bennett
[11] Commoditization of equity and social justice

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

جامعه عادلانه، جامعه‌ای فراگیر[۲] است به طوری که فرصت‌ها و دسترسی برابر را برای همه فراهم کرده و برای توقف یا حذف اَشکال مختلف تبعیض تلاش می‌کند. دور نگه نداشتن، مستثنی نکردن و محروم نساختن هیچ بخشی از جامعه از حقوق و در امور مربوط به خود، ویژگی جامعه فراگیر است. فقدان یا کم بودن ظلم و تبعیض و امتیازهای ویژه در سطح فردی، گروهی یا اجتماعی از دیگر ویژگی‌های جامعه عادلانه است. یک مثال در زمینه فراگیر بودن[۳] [و یا عادلانه بودن] آموزش عالی شامل تعامل فعال، ارادی و مداوم تمامی دانشجویان به همراه تنوع دیدگاه‌ها و حق اظهارنظر در اجتماعات مختلف (فکری، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی) درباره برنامه درسی[٤] و با شیوه‌ها و روش‌هایی است که آگاهی، دانش محتوا[۵]، بلوغ شناختی[٦] و درک همدلانه[۷] در دانشجویان را از پیچیدگی‌های تعامل افراد در سیستم‌ها و نهادهای متنوع افزایش می‌دهد (گالیکسون[۸]، ۲۰۱٦). ازآنجاکه حضور فعال دانشجویان برای شناخت دقیق‌تر آنچه که می‌دانند و آنچه برای آینده خود می‌خواهند، با همه تنوع غنی آن‌ها، باید در خط مقدم آموزش عالی قرار گیرد (متیو و بنت، ۲۰۲۰)، لذا در دانشگاه‌ها علاوه بر تنوع استعداد و تنوع نظرات، بایستی تنوع پایگاه اقتصادی – اجتماعی دانشجویان نیز وجود داشته باشد (براکلی[۹]، ۲۰۰٦).

نظام آموزشی، یک تساوی گر و برابر ساز مهم محسوب می‌شود؛ اما تعهد به برابری تا زمانی که در مؤسسات آموزشی بی‌عدالتی وجود دارد، محقق نخواهد شد (دانشگاه میلز[۱۰]، ۲۰۱۹). هدف تضمین دسترسی به مؤسسات آموزش عالی و آموزش عالی باکیفیت، بر اساس توانایی و استعداد شخصی و نه ثروت یا امتیازهای ناروا، هنوز برآورده نشده است. تا زمانی که این هدف محقق نشده باشد، ما برخی از استعدادها و نوابغی را که دنیای ما شدیداً به آن نیاز دارد، از دست خواهیم داد (براکلی، ۲۰۰٦). به علاوه، وضعیت زنان یک مصداق مهم از وجود بی‌عدالتی در جوامع امروزی هستند. زنان و دختران یک گروه آسیب‌پذیر خاص محسوب می‌شوند و تحت تأثیر چندین نوع خشونت جنسیتی – نژادی قرار دارند. مثلاً در کشورهای مبتنی بر تبعیض نژادی، بسیاری از زنان سیاه‌پوست، به دلیل اینکه زن و غیر سفیدپوست هستند، با انواع موانع ساختاری مواجه‌اند که به آن‌ها اجازه دسترسی به عدالت[۱۱] را نمی‌دهد (تراوا و مودلی[۱۲]، ۲۰۱۷)؛ بنابراین، می‌توان گفت پرداختن به بی‌عدالتی، پذیرش ضمنی وجود بی‌عدالتی است. برقراری عدالت اجتماعی در آموزش، مستلزم به چالش کشیدن نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحمیل‌شده به افراد ناشی از توزیع نامناسب قدرت، منابع و امتیاز است (دانشگاه میلز، ۲۰۱۹). به علاوه، بین تغییرات فردی، تغییرات سازمانی دانشگاه و تغییرات اجتماعی ارتباطات تنگاتنگی وجود دارد (هانزورث و همکاران[۱۳]، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، به دنبال تغییرات جوامع (و افراد)؛ ارزش‌ها، نرم‌ها و شاخص‌های عدالت نیز تغییر می‌کنند. سطوح تغییر فردی (خُرد)، گروهی (میانی[۱٤]) و نهادی

---

[1] Osei-Kofi et al
[2] Inclusive community
[3] Inclusion دربرگیری، دربرداری، درون‌گیری، شمولیت، گنجاندن، اشتمال و احتساب، از دیگر معادل‌های این واژه در زبان فارسی است.
[4] برنامه‌های درسی سنتی، فاقد ایجاد جریان آزاد اطلاعات و تبادل نظر بین طرف‌ها و ذینفعان مختلف است، چه بین فراگیر و مدرس، چه بین مدرس و مدیر مؤسسه آموزشی و چه بین مدیر و سیاست‌گذار.
[5] Content knowledge
[6] Cognitive sophistication
[7] Empathic understanding
[8] Gullickson
[9] Brackley
[10] Mills University
[11] Access to justice
[12] Távara & Moodley
[13] Hanesworth et al
[14] Meso

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

یا ملی (کلان) همگی به هم مرتبط هستند و انجام تغییرات اصلاحی در هر زمینه‌ای باید این موضوع را در نظر بگیرد (مک آرتور[1]، ۲۰۱۰). نکته مهم دیگر اینکه عدالت اجتماعی در آموزش (اعم از آموزش عمومی و آموزش عالی) در رابطه با زمینه‌های خاص اجرایی قابل‌درک است. بدین معنی که نمی‌توان ارزیابی‌های ملی یا بین‌المللی از عدالت اجتماعی را بدون در نظر گرفتن روش‌های اجرای عدالت در عمل انجام داد (گوییرتز[2]، ۲۰۰۶).

تحصیل و فراگیری دانش، یک موضوع مرتبط با عدالت اجتماعی است و نظام آموزشی مکانی برای مداخله دولت و سیاست عمومی است. فرصت برابر در تحصیل، مسئله‌ای است که دولت می‌تواند آن را هدف قرار دهد. به‌عبارت‌دیگر، فراگیران متنوع باید به فرصت‌های یادگیری برابر، دسترسی داشته باشند (واکر[3]، ۲۰۰۶). اینجاست که نقش دولت در تحقق عدالت برجسته می‌شود. باید پرسید دولت برای افرادی که به خاطر فقر مالی و سایر موانع، از تحصیل جامانده‌اند چه‌کاری انجام داده و برنامه دولت برای شناسایی این افراد و چگونگی حمایت از آن‌ها چیست؟ به علاوه، گرچه ممکن است عده‌ای معتقد باشند که ارتقاء عدالت، کار اصلی آموزش عالی و دانشگاه نیست، اما واقعیت این است که بهبود عدالت یکی از عوامل ایجاد تمایز بین یک مؤسسه آموزش عالی با دیگر مؤسسات و نشان‌دهنده آگاهی دانشگاه از مسئولیت اجتماعی خود است. عادلانه رفتار کردن یکی از شاخص‌های برتری و تمایز دانشگاه‌هاست[4] (براکلی، ۲۰۰۶)؛ اما آیا عدالت اجتماعی یک مفهوم ذهنی ایده آل است که برای همیشه فراتر از درک ما قرار دارد یا یکی از بسیاری از امور عملی است که با احتمال‌هایی قابلیت اجرایی شدن دارد؟ واقعیت این است که ایده عدالت، فراتر از یک موضوع و گفتمان روشنفکرانه، نقش واقعی در چگونگی و چقدر خوب بودن زندگی مردم ایفا می‌کند. مثلاً نهضت حمایت از حقوق معلولان این فرصت را به متخصصان خدمات معلولیت می‌دهد تا مفهوم «ناتوانی» را به منظور حمایت مؤثر و تسهیل تغییرات اجتماعی در آموزش عالی، بازنگری و بازتعریف کنند. به همین خاطر، متخصصان خدمات معلولیت، نقش و مسئولیت مهمی در حرکت دانشجویان و دانشگاه به سمت الگوی عدالت اجتماعی، حمایت از غرور معلولان، ارائه فرصت‌های برابر و ترویج دموکراسی مشارکتی برای دانشجویان معلول به عهده دارند (لوون و پولارد[5]، ۲۰۱۰).

حتی نحوه ارزیابی در دانشگاه‌ها می‌تواند به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی بیانجامد (اوتین و همکاران[6]، ۲۰۱۵). محیط‌های آموزشی، عرصه‌های مختلف توزیع عدالت[7] را بازتاب می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، آموزش به‌عنوان یک حوزه توزیعی، موجب تقسیم منابع اجتماعی با ارزش، بر اساس الگوهای توزیعی خاصی می‌شود. مثلاً مدرسان، نه تنها دانش و نمرات، بلکه کمک به یادگیری، مراقبت، احترام و توجه را نیز توزیع می‌کنند. با انجام این کار، آن‌ها تجربیات اجتماعی شدن و فرصت‌های یادگیری متفاوتی را فراهم می‌نمایند که روی انگیزه فراگیران، دستاوردهای تحصیلی، موفقیت‌های آموزشی بعدی و در نهایت، موقعیت‌های شغلی و شانس‌های زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (رِش و صباغ[8]،

---

[1] McArthur
[2] Gewirtz
[3] Walker

[4] می‌توان کارکردهای آموزش عالی را به دو دسته: کارکردهای تکنیکال (فنی) آموزش عالی (مثل آموزش و پژوهش) و کارکردهای هنجاری آموزش‌عالی (مثل پی‌جویی حقیقت و پیگیری مسئولیت اجتماعی و اخلاقی) تقسیم‌بندی کرد. از این دیدگاه، ارتقاء عدالت جزو کارکردهای هنجاری آموزش عالی قرار می‌گیرد. به ویژه اخلاق بایستی یکی از کارکردهای مشخص و رسمی آموزش عالی و دانشگاه های ایران قلمداد شود.

[5] Loewen & Pollard
[6] Autin et al
[7] Justice distribution
[8] Resh & Sabbagh

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

۲۰۱٦). ازاین‌روی، بسیاری از پژوهشگران، نگران ستم‌های متعددی هستند که توسط و یا از طریق مؤسسات آموزشی علیه کسانی که از پس‌زمینه‌های حاشیه‌ای می‌آیند، اعمال می‌شود. پس‌زمینه‌هایی که مرتبط با طبقه اجتماعی، شرایط اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت، سن و یا توانایی فیزیکی فراگیران است. با این حال، باید تأکید کرد که اگر سیستم آموزشی با برخی از فراگیران، ناعادلانه برخورد می‌کند، آن‌ها تنها کسانی نیستند که آسیب می‌بینند بلکه به‌طور کلی، کیفیت آموزش برای همه افراد، تنزل می‌یابد. بحث عدالت اجتماعی یک امر تفننی نیست. عدالت آموزشی یک ویژگی بنیادی است که اساساً آموزش خوب[1] را تعریف می‌کند (فرانسیس و همکاران[2]، ۲۰۱۷). درعین‌حال، عدالت اجتماعی یک موضوع آموزش پذیر است. به‌عنوان‌مثال، در محیط دانشگاهی، آموزش عدالت اجتماعی شامل فرآیندهای آموزش و یادگیری است که به دانشجویان کمک می‌کند تا با نگاه انتقادی در مورد شرایط غیرانسانی سیاسی-اجتماعی و اقداماتی که می‌توانند برای تغییر آن شرایط انجام دهند، مشارکت نمایند. این اقدامات می‌تواند برای تسهیل تعاملات متنوع دانشجویان و نیز تشویق مهارت‌های شهروندی دموکراتیک به‌عنوان جنبه‌های آموزش عدالت اجتماعی مفهوم‌سازی شود (راس[3]، ۲۰۱٤). به علاوه، دانشگاهیان باید از طریق کنشگری فعال نشان دهند که چگونه دانشجویان و اساتید می‌توانند دانشگاه‌ها را متحول کنند، به خصوص زمانی که آن‌ها بخشی از گروه‌هایی بوده‌اند که مدت ها نادیده گرفته‌شده‌اند (تراوا و مودلی، ۲۰۱۷).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آلکوت و همکاران در مقاله‌ای با عنوان: «سنجش انصاف و عدالت برای برنامه‌ریزی آموزشی ملی»، با بررسی برنامه آموزشی ۷۵ کشور از تمامی مناطق جغرافیایی جهان شاخص‌های دسترسی به آموزش را در چهار رده دسته‌بندی کردند: ۱- یادگیری، ۲- مشارکت، ۳- ادامه تحصیل، ٤- آموزش رایگان (آلکوت و همکاران[4]، ۲۰۱۸). در این مطالعه، ۱- در بُعد یادگیری، این متغیرها مورد توجه بوده است: درصد فراگیران مسلط به خواندن در سطح تحصیلات مُعَیَن، درصد فراگیران مسلط به ریاضیات در سطح تحصیلات معین، درصد فراگیرانی که به حداقل نمره در امتحانات سراسری دست‌یافته‌اند، درصد قبولی فراگیران در امتحانات سراسری در پایان هر مقطع تحصیلی، درصد فراگیران که در پایان سال تحصیلی به حداقل سطح مهارت (خواندن و ریاضیات) دست‌یافته‌اند، نرخ بهبود و پیشرفت یادگیری در امتحانات و میانگین درصد پاسخ‌های صحیح در آزمون‌های سراسری. ۲- در بُعد مشارکت: تعداد ورودی‌های جدید در هر مقطع تحصیلی، نسبت ثبت‌نام ناخالص، نرخ ثبت‌نام خالص و شاخص برابری جنسیتی، ۳- در بُعد ادامه تحصیل: نرخ ماندگاری در هر مقطع یا سطح تحصیلات، نرخ ترک تحصیل بر اساس مقطع یا سطح تحصیلی و نرخ انتقال به سطح آموزش بعدی و ٤- در بُعد آموزش رایگان: ارائه آموزش در هر سطح آموزشی برای همه، لغو شهریه و تعداد سالهای تحصیل اجباری، به دست آمده است.

در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی نظریه‌های زیربنایی عدالت در مورد انصاف در آموزش برای جوانان پناهنده و پناه‌جو در ایالات متحده»، ضمن بیان اینکه جوانان پناهنده و پناه‌جو اغلب فقط برای ساکت ماندن و به حاشیه رانده شدن وارد کلاس‌های درس ایالات متحده می‌شوند و بدون حمایت عادلانه آموزشی جایگاه مناسبی نخواهند یافت، تأکید دارد که ارائه آموزش عادلانه برای این جوانان مستلزم در نظر گرفتن

[1] Good education
[2] Francis et al
[3] Ross
[4] Alcott et al

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

تفاوت‌های فرهنگی است (وارد[1]، ۲۰۲۰). در این مقاله، بر اساس تئوری‌های عدالت جان رالز[2]، مایکل سندل[3] و آمارتیا سن[4]، موضوع انصاف[5] در آموزش بررسی شده است. طبق یافته‌های این مقاله، برای تحقق انصاف در بخش آموزش لازم است دو پیش بایست وجود داشته باشد: اول، برای اینکه یک سیستم در وضعیت بی‌طرفانه قرار گیرد باید مجموعه‌ای از استانداردهای حداقلی برای همه اعضای جامعه اعمال شود. این حداقل‌ها مبتنی بر استانداردهای جهانی است به‌طوری‌که در آموزش، حصول این استانداردها برای همه، صرف نظر از لایه‌های هویتی مانند نژاد، جنسیت، فرهنگ، معلولیت و غیره، قابل دسترس باشد. دوم، برای افراد و گروه‌های خاص بر اساس پیشینه‌های فرهنگی و تجربیات زیسته‌شان، تلاش‌های مضاعفی برای جبران عقب‌ماندگی‌های آن‌ها انجام گیرد. به نظر این مقاله، صِرف در نظر گرفتن تخصیص منابع و توزیع کالاها کافی نیست، بلکه باید برای برخی گروه‌ها، نیازهای اضافی برای ارتقای دسترسی عادلانه به شکوفایی انسان در نظر گرفته شود. افراد، مفاهیم متفاوتی از «زندگی خوب» دارند و محیط‌های عادلانه، آزادی‌های اساسی را فراهم می‌کنند که به افراد اجازه می‌دهد تا در جهت تحقق ایده‌شان در مورد معنای شکوفایی تلاش کنند. این مقاله به این نتیجه می‌رسد که فرآیندهای عادلانه تضمین می‌کنند حداقل استانداردهای جهانی به شیوه‌ای فراگیر ارائه می‌شوند. برای ارتقای نظام‌های عادلانه، مسئولان کشورها باید لایه‌های هویتی متنوعی که در اقشار اجتماعی جامعه وجود دارد را به رسمیت بشناسند.

در مطالعه‌ای دیگر با عنوان: «عوامل تعیین‌کننده دسترسی و انصاف در آموزش عالی: مروری سیستماتیک»، تلاش شده بینشی را در مورد عواملی ارائه دهد که از دسترسی و انصاف حمایت می‌کنند یا مانع آن‌ها می‌شوند (وانتی و همکاران[6]، ۲۰۲۲). در این مقاله، چهل عامل در چهار سطح دولتی، دانشگاهی، آموزش پیش‌دانشگاهی و دانشجویی، تجزیه و تحلیل شدند. بیشتر تحقیقات قبلی مربوط به این موضوع، سیاست‌ها و حمایت مالی دولت را مورد بحث قرار داده اند. اهمیت این مقاله در این است که تأثیر حمایت اجتماعی[7] (توسط همسالان، خانواده، استادان، مدیران دانشگاه و برنامه‌ها) بر بهبود دسترسی و برابری در آموزش عالی را مورد بحث قرار داده و ضروری بودن آن را نشان می‌دهد. این مطالعه به محققان، مدرسان، مدیران در سطح دانشگاه و سیاست‌گذاران در سطح ملی یادآوری می‌کند تا بیشتر بر روابط اجتماعی بین همسالان، دانشجویان و استادان، حمایت در سطح مدیریت و ایجاد برنامه‌هایی که مهارت‌های پایه را برای گروه‌های محروم ارائه می‌دهند، تمرکز کنند. نکته دیگری که در این تحقیق مورد تاکید قرارگرفته این است که کشورهای پیشرفته برای مسئله عدالت و برابری در آموزش عالی اهمیت بیشتری قائلند به‌طوری‌که در این مطالعه ۸۲ درصد مقالات مرتبط یافت شده از آمریکا، اروپا و استرالیا و ۱۸ درصد از کشورهای آفریقایی و آسیایی بود. یک دلیل این موضوع ممکن است این باشد که کشورهای غربی و توسعه‌یافته، سیاست‌ها و برنامه‌های بیشتری برای ارتقاء عدالت و افزایش دسترسی به آموزش عالی نسبت به کشورهای در حال توسعه داشته اند. دلیل دیگر اینکه به‌طور کلی کشورهای توسعه‌یافته دارای موقعیت نسبتاً قوی هم از نظر بودجه و هم از نظر زیرساخت در جهت ارتقاء عدالت در جامعه خود هستند.

ایوانز[8] در مقاله‌ای با عنوان: «شاخص‌های عدالت بر اساس تامین منابع تکمیلی برای دانشجویان معلول و محروم»، عدالت در آموزش را از منظر نحوه توزیع منابع بین گروه‌های محروم بررسی می‌کند و بیان می‌دارد که عدالت در آموزش نباید مبتنی بر توزیع برابر منابع بین همه

[1] Ward
[2] John Rawls
[3] Michael J. Sandel
[4] Amartya Sen
[5] Equity
[6] Wanti et al
[7] Social support
[8] Evans

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

دانشجویان باشد (ایوانز، ۲۰۰۲). برای مثال، دانشجویان معلول اگر بخواهند در وضعیت تحصیلی همچون دانشجویان غیر معلول قرار بگیرند باید به منابع بیشتری دسترسی داشته باشند. یا دانشجویان ناشنوا اغلب به یک دستیار اضافی در کلاس درس نیاز دارند. یک نظام آموزشی نباید به‌طور ساده هدف خود را کاهش نابرابری‌ها قرار دهد، بلکه تمرکز باید بر پذیرش و اجرای سطح قابل قبولی از نابرابری به نفع گروه‌های محروم جامعه باشد. منابع به میزان قابل قبولی باید در اختیار دانشجویان معلول و محروم نسبت به سایر دانشجویان قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر، لازم است به نفع گروه‌های محروم، تبعیض مثبت اِعمال شود. این مطالعه همچنین تأکید می‌کند که رویکردهای تطبیقی که شاخص‌های بین‌المللی را بین کشورهای مختلف مقایسه می‌کند، درس های زیادی برای آموختن دارد.

نسبت ثبت‌نام ناخالص[1] (GER) یک شاخص پذیرفته‌شده بین‌المللی برای تجزیه‌وتحلیل عدالت و دسترسی به آموزش عالی است. به‌طور معمول، GER نسبت تعداد ثبت‌نام کنندگان در آموزش عالی به کل جمعیت در گروه سنی ۲۳-۱۸ سال است. به‌طور کلی، GER بالاتر نشان دهنده درجه بالای حضور در مقطع آموزش عالی است. GER در آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به شدت متفاوت است. میتال و همکارانش[2] (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان: «اندازه‌گیری دسترسی، کیفیت و تناسب در آموزش عالی»، این شاخص را مورد نقد قرار داده اند (میتال و همکاران، ۲۰۲۰). به عقیده آنان، شاخص EER معیار عادلانه‌تر و عاقلانه‌تری نسبت به GER است. نسبت واجدین شرایط ثبت‌نام[3] (EER)، بر اساس جمعیت واجد شرایط در گروه سنی مربوطه، ممکن است به‌عنوان شاخص مناسب‌تری برای اندازه‌گیری دسترسی به آموزش عالی در نظر گرفته شود. EER را می‌توان به‌عنوان نسبت تعداد دانش‌آموزانی که در آموزش عالی ثبت‌نام کرده اند به تعداد دانش‌آموزانی که کلاس دوازدهم (دیپلم) را در گروه سنی ۱۸ تا ۲۳ سال با موفقیت به پایان رسانده اند تعریف کرد. به‌عنوان‌مثال، در هند و در بسیاری از کشورها، تکمیل موفقیت‌آمیز کلاس دوازدهم در سطح دبیرستان، شرط لازم برای ثبت‌نام در آموزش عالی است؛ بنابراین، واجد این شرط بودن بایستی در بررسی‌های تطبیقی بین‌المللی عدالت و دسترسی به آموزش عالی، مد نظر قرار گیرد. در سال ۲۰۱۷ شاخص GER و EER برای هند به ترتیب ۲۷/٤ و ٦٤/۹ درصد بوده است. با کاربرد شاخص واجدین شرایط ثبت‌نام، فاصله بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کمتر نشان داده می‌شود.

کورنلیوس و هارینگتون[4] (۲۰۱٤) در مطالعه‌ای سنجه‌های مورد استفاده در تحقیقات مربوط به عدالت اجتماعی را بررسی کرده‌اند (کورنلیوس و هارینگتون، ۲۰۱٤). طبق یافته‌های آنان، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های عدالت اجتماعی عبارتند از: معیارهای موقعیت اجتماعی[5]، مسند اجتماعی[6]، وضعیت طردشدگی[7]، دسترسی به غذای سالم و مغذی، معیارهای تبعیض بر اساس پیشینه اجتماعی[8]، معیارهای هویت و بیان جنسیتی[9]، معیارهای نابرابری بر اساس نژاد، قومیت یا زبان[10]، رفتارهای تبعیض‌آمیز بر اساس پیشینه فرهنگی، معیارهای مربوط

[1] Gross enrolment ratio
[2] Mittal et al
[3] Eligible Enrolment Ratio
[4] Cornelius & Harrington
[5] Social status
[6] Social position
[7] Exclusion
[8] Measures of discrimination based on social background
[9] Measures of gender identity and expression
[10] Measures of disparities based on race, ethnicity, or language

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

به خود–حکمرانی و توانمندسازی[1]. در تحقیق آن‌ها نمونه‌هایی از استفاده از این شاخص‌ها در مطالعات پژوهشی عدالت اجتماعی آورده شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش که یک مطالعه توصیفی- تحلیلی[2] است، برای گردآوری داده‌های موردنیاز از دو روش تحقیق اسنادی[3] و گروه کانونی[4] بهره گرفته شد. گروه کانونی شامل تعدادی از افراد دارای تنوع دیدگاه است که در یک مبحث هدایت‌شده در جلسات بحث سازماندهی‌شده و مصاحبه گروهی گرد هم می‌آیند (دیکشنری آکسفورد[5]، ۲۰۲٤). روش گروه کانونی این امکان را فراهم می‌کند که محقق فعالانه‌تر با شرکت‌کنندگان و نگرانی‌های آن‌ها درگیر شود (مورگان[6]، ۱۹۹٦). گروه‌های متمرکز (کانونی)، گروه‌هایی از افراد هستند که به‌طور رسمی سازمان‌یافته‌اند و در زمانی خاص گرد هم می‌آیند تا پیرامون یک موضوع یا مجموعه‌ای از موضوعات به بحث بپردازند. برخلاف سایر روش‌های یک جانبهٔ گردآوری داده ها، این روش امکان تعامل بین محقق و مطالعه شوندگان و بین خود مطالعه شوندگان را فراهم می‌آورد (مارکزیک[7] و همکاران، ۲۰۰۷). در روش گروه کانونی، گروهی از افراد انتخاب می‌شوند که بتوان به نظر آنان در مورد موضوعی خاص استناد کرد. پژوهشگر در گروه کانونی قادر است اطلاعات بیشتری در زمان کوتاه‌تری در مقایسه با مصاحبه فردی به دست آورد. پژوهشگر، اعضای گروه کانونی را بر اساس طرح پژوهش و توانایی همکاری آنان انتخاب می‌کند. تعداد اعضای گروه کانونی، معمولاً بین ٤ تا ۱۲ نفر است. برای تحلیل داده‌های گروه کانونی، هفت مرحله طی می‌شود که عبارتند از: مرور داده ها، ایجاد راهنمای کدگذاری، سازماندهی داده‌ها، طبقه‌بندی پاسخ‌ها، کدگذاری پاسخ‌ها تا مرحله اشباع، تفسیر داده ها و جمع‌بندی نهایی (صادقی، ۱۳۸۷).

هدف از تشکیل گروه کانونی در این مطالعه، پی بردن به نظر اعضاء پنل در مورد انواع و ابعاد شاخص‌های عدالت در آموزش عالی بود. در این پژوهش، هفت نفر از مسئولان و مدیران آموزش عالی و نیز صاحبنظرانی با تخصص‌های آموزش عالی، مدیریت آموزشی، اقتصاد و فلسفه آموزشی به‌عنوان اعضای گروه کانونی شرکت داشتند که طی دو جلسه در مجموع به مدت ۱۵۰ دقیقه، نظرات آن‌ها جمع آوری شد. جهت تحلیل داده های گروه کانونی در ابتدا داده ها مرور گردید و پس از سازماندهی داده ها و طبقه بندی پاسخ ها، کدگذاری پاسخ ها با استفاده از روش تحلیل محتوا تا دستیابی به مرحله اشباع صورت گرفت. در مرحله بعد جهت اعتباریابی یافته‌های مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی و وزن دهی به نشانگرها، نظرات آنان در قالب پرسشنامه‌ای برای گروهی دیگر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی (به غیر از اعضای گروه کانونی) ارسال گردید و پیشنهادهای تکمیلی، دریافت شد و درنهایت شاخص‌های عدالت به چهار دسته و ۵۰ نشانگر، تقسیم‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

[1] Measures of self-governance and empowerment
[2] Descriptive - Analytic Study
[3] Documentary Research
[4] Focus group
[5] Oxford Dictionaries
[6] Morgan
[7] Markzik

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

مباحث پنل گروه کانونی، حول این سه محور انجام گرفت: الف- چیستی و تعریف عدالت در آموزش عالی، ب- شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی و پ- راهکارهای ارتقاء عدالت در آموزش عالی ایران. گزیده‌ای از نظرات ارائه‌شده در این پنل در جدول ۱ آورده شده است. به‌عنوان نمونه، در مورد چیستی و تعریف عدالت در آموزش عالی، نظر یکی از اعضای گروه کانونی این بود که عدالت همان انصاف است. عدالت، طرحی اجتماعی (و نه طرحی دولتی) با هدف خیر همگانی قلمداد می شود، به‌طوری‌که بخت‌های زندگی از جمله بخت‌های آموزشی منصفانه تقسیم بشود. یا در باب شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی به عقیده یکی از اعضای پنل تخصصی مذکور، یک شاخص مهم عدالت آموزشی، کیفیت است. چون مأموریت اصلی عدالت آموزشی، توانمندسازی افراد برای استفاده از فرصت‌های اجتماعی – اقتصادی است. یا در زمینه راهکارهای ارتقاء عدالت در آموزش عالی، یکی از متخصصان امر چنین نظری داشت: گروه‌هایی که قرار است حمایت شوند بهتر است این حمایت‌ها قبل از ورود آن‌ها به دانشگاه اعمال شود تا توانایی علمی لازم را برای شرکت در کنکور و ورود به دانشگاه کسب کنند.

جدول ۱ – گزیده‌ای از نظرات بیان‌شده در گروه کانونی

محورهای بحث	برخی از نکات اعضای پنل
چیستی و تعریف عدالت در آموزش عالی	عدالت یعنی ایجاد دسترسی های برابر برای مردم در جهت استفاده از فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی که ناظر بر مرحله‌ای قبل از عدالت توزیعی است. در بین این حوزه‌ها، حوزه آموزش از بقیه مهمتر است چراکه دسترسی به فرصت‌های آموزشی پیش‌نیاز بهره‌مندی از فرصت‌های سایر حوزه‌ها از جمله فرصت‌های اقتصادی و سیاسی است.
	عدالت بدون آزادی امکان ندارد. عدالت بدون آزادی اصلا عدالت نیست. آزادی، بخش ذاتی عدالت است.
	عدالت آموزشی را می‌توان در سه بخش برابری در فرصت‌ها، برابری در دسترسی به امکانات و برابری در دستیابی به نتایج تقسیم‌بندی کرد. ضمن اینکه اقتصاد بازار آزاد نمی‌تواند عدالت اجتماعی را تامین کند.
	عدالت همان انصاف است و طرحی اجتماعی (و نه طرحی دولتی) با هدف خیر همگانی است به‌طوری‌که بخت‌های زندگی از جمله بخت‌های آموزشی منصفانه تقسیم بشود.
	مفهوم عدالت، همان تأمین حق و اعطای استحقاق است؛ بنابراین، بحث اصلی در عدالت، تعیین حق و حقوق افراد است.
شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی	دسترسی فقط یک بخش از عدالت در آموزش عالی است. نحوه تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها نیز بُعدی از عدالت در آموزش عالی است.
	یک شاخص مهم عدالت آموزشی کیفیت است چون مأموریت اصلی عدالت آموزشی، توانمندسازی افراد برای استفاده از فرصت‌های اجتماعی – اقتصادی است.
	کنکور، یکی از شاخص‌ها و ریشه های بی‌عدالتی در آموزش عالی ایران است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

	برای تحقق عدالت آموزشی باید فرصت سازی کرد؛ مثلا گسترش دانشگاه‌ها به‌طوری‌که بخش بزرگی از مردم به آموزش عالی دسترسی داشته باشند یکی از ابعاد عدالت آموزشی است.
	رفع موانع دسترسی در مبحث عدالت آموزشی اهمیت دارد. مثل رفع تبعیض‌های جنسیتی یا تبعیض‌های نژادی یا قومی یا عقیدتی
راهکارهای ارتقاء عدالت در آموزش عالی	عدالت در آموزش عالی ایران بایستی با رعایت استقلال دانشگاه‌ها و رعایت آزادی‌ها و حقوق آحاد مردم به اجرا درآید.
	عدالت در آموزش عالی باید وضعیت کسانی که به‌طور بالقوه می‌توانسته اند از فرصت حضور در دانشگاه بهره‌مند شوند را نیز در نظر بگیرد (مثل روستاهایی که به دبیرستان دسترسی ندارند) و نه فقط وضعیت کسانی که به آموزش عالی دست‌یافته‌اند.
	باید نقش بیشتری را برای دولت در تامین عدالت آموزشی قائل شویم؛ مثلا کسی نباید به خاطر ناتوانی مالی از تحصیل باز بماند و دولت در این زمینه باید از چنین افرادی حمایت کند.
	گروه‌هایی که قرار است حمایت شوند بهتر است این حمایت‌ها قبل از ورود آن‌ها به دانشگاه اعمال شود تا توانایی علمی لازم را برای شرکت در کنکور و ورود به دانشگاه کسب کنند.
	برای تحقق عدالت باید نهادهایی که ضامن و تضمین‌کننده عدالت هستند ایجاد شود.

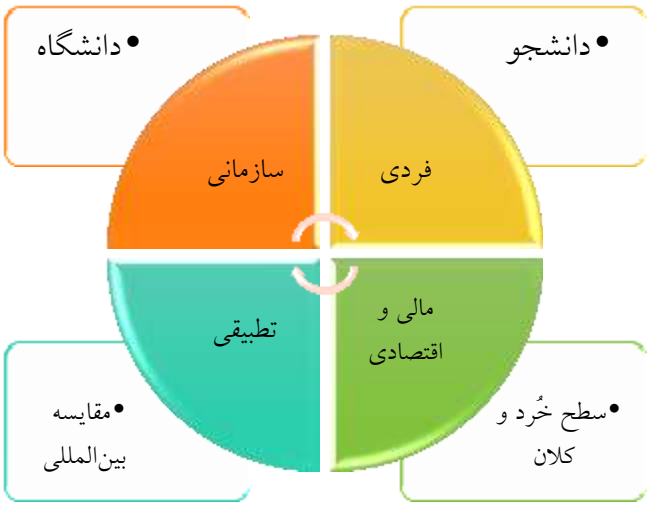
از سوی دیگر، عدالت در آموزش عالی مفهومی بسیار فراتر از دسترسی به آموزش عالی است. در واقع، دسترسی به آموزش عالی تنها بخشی از عدالت در آموزش عالی را شامل می‌شود؛ بنابراین، شاخص‌های سنجش این دو نیز متفاوت خواهند بود. هرچند که دومی را می‌توان زیرمجموعه‌ای از اولی در نظر گرفت. ازآنجاکه اولین گام برای ارتقای عدالت، تشخیص و تعیین شاخص‌های عدالت است تا طبق آن، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت بهبود وضعیت عدالت در جامعه در حوزه آموزش عالی پرداخته شود، لذا در این مطالعه، شاخص‌های عدالت در آموزش عالی در چهار گروه دسته‌بندی شدند تا مسئولان را یاری دهند با انسجام فکری بیشتری در باب عدالت در آموزش عالی بیندیشند و سیاست‌گذاری و اقدام نمایند.

در مورد اهمیت آگاهی از شاخص‌های عدالت، ابتدا می‌توان این سئوال را مطرح کرد که اساساً چگونه مطمئن می‌شویم چه چیزی عدالت است؟ در حالی که عدالت اجتماعی پیش بایست تحقق شکوفایی فردی است و همبستگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد، اما چگونه می‌دانیم چه چیزی ما را به عدالت نزدیک‌تر یا دورتر می‌کند (واکر، ۲۰۰۳)؟ پاسخ را باید در شاخص‌ها جُست. شاخص‌ها ابزارهایی هستند که به تعریف و ساخت مفاهیمی مانند برابری و عدالت، کمک می‌کنند. همچنین، تدوین شاخص یکی از روش‌هایی است که چارچوب مفاهیمی مانند برابری و عدالت، مشخص‌شده و در متون سیاستی وارد می‌شوند. البته در سیاست های مربوط به عدالت اجتماعی، هم انواع مختلف غفلت وجود دارد و هم تصورات غلط. سیاست ها شکل های محتملی از تجویزها هستند و در معرض مداخلات و دسیسه های مجموعه‌های مختلف بازیگران قرار دارند. آن‌ها همچنین تحت تأثیر زمان، فضا و مکان هستند. با این وجود، سیاست ها مهم هستند، چراکه پتانسیل اصلاح، اختلال و ایجاد تفاوت را دارند (مگوایر، ۲۰۱۹). تحقیقات در مورد عدالت اجتماعی در آموزش، اغلب فاقد تعامل سازنده با سیاست‌گذاری

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

آموزشی بوده است و این می‌تواند تا حدی به عدم شفافیت در مورد اینکه یک نظام آموزشی عادلانه اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد، نسبت داده می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۷). از این دیدگاه، شاخص‌ها به ایجاد تعامل پژوهش‌ها با سیاست‌گذاری آموزشی کمک می‌کنند. به علاوه، شاخص‌های عدالت، هوش عدالت را در ما ارتقاء می‌دهد. هوش و فهم عدالت و بی‌عدالتی افراد متفاوت است. هوش عدالت اجتماعی[1] بدین معنی است که ما قادر به درک و فهم وضعیت عادلانه بودن و یا بی‌عدالتی‌های اطرافمان هستیم (گارنت و هوبر[2]، ۲۰۱۸). همچنین، گرچه مبحث عدالت در بخش آموزش مهم است، درعین‌حال، آموزش عدالت نیز اهمیت دارد. شاخص‌ها می‌توانند بخش مهمی از آموزش عدالت قلمداد شوند. در نهایت، مفهوم عدالت اجتماعی، یک ذهنیت است. یک گفتگو است (دانشگاه میلز، ۲۰۱۹). بنابر این،، عدالت، یک برساخت اجتماعی است. شاخص‌ها ابزاری برای تبدیل ذهنیت به عینیت هستند.

در جمع‌بندی مبتنی بر نظرات مدیران و صاحبنظران آموزش عالی، شاخص‌های عدالت در چهار گروه (شکل ۱): الف- شاخص فردی (دانشجو) با ۱۶ نشانگر، ب- شاخص سازمانی (دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی) با ۷ نشانگر، پ- شاخص مالی و اقتصادی (سطح خُرد و کلان) با ۱۰ نشانگر و ت- شاخص تطبیقی (مقایسه بین‌المللی[3]) با ۱۷ نشانگر تقسیم‌بندی شد (جدول ۲). این دسته‌بندی در واقع ناظر بر عدالت بین افراد، عدالت بین سازمان‌ها، عدالت بین بخش‌ها، عدالت بین کشورها (عدالت بین‌المللی) است. شاخص‌ها و نشانگرهای جمع‌بندی‌شده در مورد عدالت در آموزش عالی، مواردی است که از دید مسئولان و متخصصان آموزش عالی برای سنجش عدالت در آموزش عالی، مهم تشخیص داده شده‌اند و اغلب، ناظر بر تفاوت‌ها، محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی است که در دسترسی به منابع وجود دارد و در نهایت، ممکن است مانع دستیابی عده‌ای به سطح سوم آموزش شود.



شکل ۱ – دسته بندی شاخص‌های عدالت در آموزش عالی

[1] Social Justice IQ
[2] Garnett & Huber

[3] - اگر سه سطح تحلیل خُرد، کلان و توسعه را در نظر بگیریم، سطح خُرد ناظر بر تحلیل وضعیت دانشگاه، سطح کلان ناظر بر تحلیل وضعیت نظام آموزش عالی و سطح توسعه ناظر بر مقایسه طولی و یا مقطعی وضعیت آموزش عالی ایران با سایر کشورها به لحاظ شاخص های عدالت است و از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند پیشرفت یا پسرفت آموزش عالی را نسبت به بقیه کشورها در مقیاس بین المللی نشان دهد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

در جدول ۲ شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی بر اساس یافته های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲- شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی

نشانگرهای مربوط به شاخص فردی (دانشجو)	نشانگرهای مربوط به شاخص سازمانی (دانشگاه)	نشانگرهای مربوط به شاخص مالی و اقتصادی (سطح خُرد و کلان)	نشانگرهای مربوط به شاخص تطبیقی (مقایسه بین‌المللی)
به لحاظ دسترسی به اطلاعات و منابع علمی	به لحاظ امکانات (کیفیت برنامه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی)	به لحاظ تخصیص بودجه در بخش-های کلان کشور و عدالت تخصیصی (آموزش عالی، بهداشت و ...)	به لحاظ دهک‌ها، صدک ها و گروه‌های درآمدی
به لحاظ مناطق مختلف جغرافیایی	به لحاظ روش پذیرش دانشجو	به لحاظ پرداختی به اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان	به لحاظ جنسیتی
به لحاظ جنسیتی	به لحاظ دورهٔ تحصیلی (کاردانی، کارشناسی و ...)	به لحاظ تخصیص بودجه در درون یک دانشگاه	به لحاظ دسترسی به اطلاعات و منابع علمی
به لحاظ دهک‌ها، صدک ها و گروه‌های درآمدی	به لحاظ گروه تحصیلی (فنی- مهندسی، علوم انسانی، پزشکی و ...)	به لحاظ تخصیص بودجه عمومی بین دانشگاه‌های مختلف	به لحاظ اقشار، پایگاه‌ها و طبقات اجتماعی
به لحاظ شهری، روستایی، عشایری	به لحاظ نوع ارائه دوره (حضوری، غیرحضوری و ...)	به لحاظ میزان شهریه هر دانشگاه	به لحاظ سلامت جسمی (افراد معلول، کم‌توان و ...)
به لحاظ سلامت جسمی (افراد معلول، کم‌توان و ...)	به لحاظ مالکیت (دولتی- غیردولتی)	به لحاظ سهم آموزش عالی در هزینه‌های خانوارهای متعلق به گروه‌های اجتماعی یا درآمدی مختلف	به لحاظ باورهای اعتقادی
به لحاظ باورهای اعتقادی	به لحاظ عدالت سازمانی	به لحاظ میزان افزایش قیمت خدمات آموزشی نسبت به سایر کالاها و خدمات	به لحاظ توزیع دانشجو در قاره‌های مختلف
به لحاظ اقشار، پایگاه‌ها و طبقات اجتماعی		به لحاظ وام تحصیلی دانشجویی	به لحاظ شهری، روستایی
به لحاظ زبان		به لحاظ بودجه سرانه (هزینه سرانه) واقعی دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف و در سال‌های مختلف	به لحاظ زبان
به لحاظ قومیت		به لحاظ نسبت بودجه سرانه دانشجویی به درآمد سرانه کشور	به لحاظ نژاد و تبار
به لحاظ نژاد و تبار			به لحاظ توزیع دانشجو در کشورهای مختلف
به لحاظ رنگ پوست			به لحاظ قومیت
به لحاظ سن			به لحاظ رنگ پوست
به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی			به لحاظ سن

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

خانواده‌های دانشجویان (سرمایه فرهنگی)			
به لحاظ عدالت بین نسلی			به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی خانواده‌های دانشجویان (سرمایه فرهنگی)
به لحاظ سهمیه ورودی به دانشگاه			به لحاظ عدالت بین نسلی
			به لحاظ نرخ پوشش تحصیلی

تحلیل یافته‌ها

گرچه در اکثر کشورهای دنیا روند غالب در زمینه گسترش آموزش عالی، شکل‌دهی به یک آموزش عالی همگانی را نشان می‌دهد و روند جهانی سیاست‌گذاری در نظام آموزشی نیز حرکت از «آموزش برای همه» به‌سوی «آموزش عالی برای همه»[1](HEFA) است، اما مفهوم آموزش‌عالی برای همه بدین معنا نیست که تمام افراد یک جامعه باید تحصیلات دانشگاهی داشته باشند، بلکه منظور از آن، ایجاد زمینه و حقی است برای افرادی که تمایل و استعداد لازم برای برخورداری از آموزش عالی را دارا هستند (روشن، ۱۳۸۹). به‌طور کلی راهبردهای اصلی برای ارتقای عدالت در آموزش عالی را می‌توان در سه قلمرو دسته‌بندی کرد: ۱- دسترسی به آموزش عالی بدون هیچ گونه دخالت دولت، ۲- دسترسی همه افراد به آموزش عالی به صورت رایگان و بدون شهریه، ۳-برابری فرصت در دسترسی به آموزش عالی و حمایت از دسترسی افراد متعلق به خانواده‌های محروم و اقلیت‌ها. راهبرد اول ناظر بر این دیدگاه است که آموزش عالی یک کالای خصوصی محسوب می شود که منافع حاصل از آن، متوجه فرد بوده و بازدهی فردی تحصیلات دانشگاهی بیشتر از بازدهی اجتماعی آن است؛ بنابراین، دولت هیچ گونه مسئولیتی برای حمایت از آن ندارد. راهبرد دوم معتقد است که آموزش به‌طور اعم و آموزش عالی به‌طور اخص، یک حق است که بایستی به‌طور رایگان در اختیار همه کسانی که مایل به ورود به دانشگاه هستند قرار گیرد. راهبرد سوم ضمن پذیرش مسئولیت دولت در ایجاد ذخیره سرمایه انسانی جامعه، معتقد به ایجاد زمینه‌های حمایت از افراد محروم و رفع و یا کاهش محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و قانونی برای ورود به آموزش عالی، به منظور کشف استعدادهای نهفته در این گروه‌ها و اقشار اجتماعی است.

از سوی دیگر، نظام توزیع فرصت‌های آموزشی در آموزش عالی، ادامهٔ ناگزیر نظام توزیع امکانات آموزشی (از لحاظ کمی و کیفی) در دورهٔ ابتدایی و متوسطه و حتی قبل از آن است. در واقع، اینها مراحل مختلف از یک جریان هستند و نمی‌توان دسترسی به آموزش عالی برای جوانان و بزرگسالان را جدا از میزان دسترسی آنان به امکانات بیشتر و مطلوب‌تر آموزشی در دوران کودکی و نوجوانی تحلیل کرد. قشربندی اجتماعی، خواه‌ناخواه شرایط خانوادگی خاصی را به وجود می آورد که حتی قبل از شروع تحصیلات در دورهٔ ابتدایی تا حدود زیادی توانایی ادراکی کودک، منش، شخصیت و مناسبات اجتماعی او را تعیین می‌کند. نظام آموزشی هرچقدر هم به نفع کودکان پنج‌ساله و بالاتر تلاش کند، اگر کودکان مذکور قبل از رسیدن به این سن از لحاظ سرمایه فکری و یا اقتصادی خانواده در جایگاه مشخصی قرارگرفته باشند، نمی‌توان از «توزیع متساوی فرصت» سخن گرفت. به‌عبارت‌دیگر، نابرابری‌های آموزشی در سه مقطع قبل، حین تحصیل و بعد از دانشگاه قابل‌بررسی است و در هریک از این سه مقطع، فرزندان خانواده‌هایی که از پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی بالاتری هستند، موقعیت‌ها و امکانات برتر را نصیب

[1] Higher Education For All

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

خود می‌کنند. بنابراین، تاثیر وضعیت فرا بخشی (خارج از بخش آموزش عالی) بر عدالت آموزشی هم قبل از ورود به دانشگاه و هم بعد از دانشگاه، قابل انکار نیست و سیاست فراگیری که با هدف افزایش دسترسی عادلانه‌تر به آموزش عالی تدوین می‌شود باید هر سه مقطع بالا را در برگیرد تا آموزش عالی نیز به سهم خود بتواند نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد. به‌عنوان نمونه، امکانات و فرصت‌های شغلی بعد از فراغت از تحصیل و متوسط زمان انتظار برای یافتن شغل، برای افراد مختلف، متفاوت است و اینکه یک فرد پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه، چه مدت طول می‌کشد که شغلی مناسب با درآمد مکفی پیدا کند، علاوه بر رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، به موقعیت خانوادگی او نیز بستگی دارد. اینجاست که نه تنها دسترسی به آموزش عالی بلکه دسترسی به فرصت‌های پس از دانش آموختگی اهمیت می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، هم برابری فرصت در دسترسی به آموزش عالی و هم برابری فرصت در استفاده و بهره‌گیری از مدرک دانشگاهی پس از فارغ‌التحصیلی مهم بوده و لازم است این مسئله در تحقیقات جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

به علاوه، یک نظام آموزش عالی عادلانه می‌تواند دو رویکرد اصلی داشته باشد: الف- تلاش برای کاهش تفاوت بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و ب- حداکثر نمودن حداقل‌ها[1]. این دو ویژگی از تئوری عدالت جان رالز استخراج‌شده است. رالز از یک سو اعتقاد داشت برابری فرصت، شرط لازم برای یک جامعه عادلانه است (گرچه ممکن است شرط کافی نباشد)، همچنین سیاست‌گذاری‌ها بایستی به سود محروم ترین و پایین ترین گروه‌های اجتماعی تدوین شود. برای یک نظام آموزشی، ویژگی اول مُبَین آن است که شاخص متوسط سال های تحصیل در یک کشور در بین افراد مختلف از کمترین تفاوت برخوردار باشد. به‌عبارت‌دیگر، ضریب جینی آموزش[2]، کم باشد. ویژگی دوم نیز بیانگر این نکته است که از افراد و خانوارهایی که از کمترین امکانات برای دسترسی به آموزش عالی برخوردارند، بایستی بیشترین حمایت به عمل آید[3] و حداقل‌های آموزشی آنان (با توجه به شاخص‌های بین‌المللی) حداکثر شود. به‌عبارت‌دیگر، همچون تحقیق وانتی و همکارانش، برای تحقق عدالت و انصاف در بخش آموزش لازم است دو پیش بایست وجود داشته باشد: اول، باید مجموعه‌ای از استانداردهای حداقلی برای همه اعضای جامعه اِعمال شود. این حداقل‌ها مبتنی بر استانداردهای جهانی است به‌طوری‌که در آموزش، حصول این استانداردها برای همه، صَرف نظر از ویژگی‌هایی مثل نژاد، جنسیت، فرهنگ، معلولیت و غیره، قابل دسترس باشد. دوم، برای افراد و گروه‌های خاص و محروم، تلاش های مضاعفی برای جبران عقب‌ماندگی‌های آنان انجام گیرد و باید برای برخی گروه‌ها، امکانات اضافی برای ارتقای دسترسی عادلانه در نظر گرفته شود (وانتی و همکاران، ۲۰۲۲).

---

[1] Maximin

[2] Gini coefficient of education

[3]- یکی از راه‌های حمایت از افراد با ویژگی‌های خاص، در نظر گرفتن سهمیه ورود به دانشگاه برای آنان است. ممکن است در کشوری برای جبران عقب‌افتادگی‌های قبلی و حمایت از اقشار بدون قدرت (یا کم قدرت) مثل اقلیت‌ها، گروه های نژادی خاص، افراد معلول، خانوارهای بی بضاعت و آسیب‌دیده و یا زنان، سهمیه و یا تسهیلات ورود و پذیرش در مؤسسات آموزش عالی در نظر گرفته شود. البته هر کشوری معیارهای مخصوص به خود وضع می‌کند و اینکه آیا اعطای این سهمیه‌ها عادلانه هست یا نه می‌تواند شاخصی برای قضاوت راجع به عادلانه یا ناعادلانه بودن یک نظام آموزش عالی باشد؛ بنابراین، در نظر گرفتن سهمیه ورود با توجه به شرایط خاص داوطلبان، یک امر پذیرفته‌شده در اکثر نظام‌های آموزش عالی است. منتها مسئله بر سر میزان و چگونگی برقراری این سهمیه هاست. برخی کشورها برای افراد متعلق به خانواده‌های فقیر، سهمیه در نظر می‌گیرند. برخی نیز به دلیل وقوع بلایای طبیعی قائل به این سهمیه می‌شوند. مثلاً در سال ۱۳۹۸ که سیل شدیدی در استان لرستان و برخی دیگر از استان ها جاری شد، مقرر گردید پنج درصد سهمیه رشته های دانشگاه‌های استان های درگیر سیل به داوطلبان این استان ها اختصاص یابد و یا برای داوطلبان مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه نیز حدود ۳۰۰ نفر سهمیه ورود لحاظ شد (خدایی، ۱۳۹۸).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

یکی از تأکیدات این مقاله، ترویج عدالت با استفاده از شاخص‌های عدالت است. علاوه بر اجرای عدالت در آموزش عالی، ترویج عدالت و ارتقاء فرهنگ عدالت‌خواهی نیز یکی از مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه محسوب می‌شود. بهبود وضعیت عدالت در آموزش عالی به‌مثابه یک پروژه اجتماعی، نیازمند ارتقاء فرهنگ عدالت در کلیت نظام آموزش عالی، در همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و با مشارکت تمامی اعضاء هیئت علمی و دانشجویان در این پروژه است. بنابراین، عدالت اجتماعی نیاز به فرهنگ سازی و یادگیری دارد. به منظور ایجاد بخش‌های عدالت گرا و گسترش محیط‌های دربرگیرنده، یادگیری عدالت اجتماعی ضرورت می‌یابد. در دانشگاه، یادگیری عدالت اجتماعی در قالب بحث و گفتگوهای جمعی، امکان بررسی دیدگاه‌های گوناگون در مورد موضوعات مختلف مرتبط با عدالت توسط رهبران و مدیران دانشگاه، اعضاء هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان را فراهم می‌کند. همچنین، عدالت اجتماعی اساساً به سؤالات، نگرانی‌ها و مسائلی می‌پردازد که در آن مسئولان دانشگاه باید از خود بپرسند: با هدف تبدیل‌شدن به جامعه‌ای فراگیرتر و کمتر ناعادلانه، برای دانشجویان، اساتید و کارکنان چه‌کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ مسئولان دانشگاه برای شناسایی راهکارها و جهت‌گیری‌های گسترش عدالت باید همه ذینفعان دانشگاه را در گفتگو و تصمیم‌گیری راجع به لزوم تغییرات و تعیین راهکارهای ارتقاء عدالت مشارکت دهند. عدالت اجتماعی به‌مثابه یک فرایند، شامل توزیع عادلانه منابع، برابری فرصت در دسترسی به منابع و نیز مشارکت همه اعضای جامعه است. هدف عدالت اجتماعی، مشارکت کامل و برابر همه گروه‌ها در جامعه‌ای است که برای رفع نیازهای اعضایش شکل گرفته است (گارنت و هوبر، ۲۰۱۸).

بحث و نتیجه‌گیری

ازآنجا که یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تقویت عدالت، تشخیص و تعیین شاخص‌های آن است تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت بهبود وضعیت عدالت در جامعه در حوزه آموزش عالی بر اساس آن شاخص‌ها انجام گیرد، لذا هدف این مطالعه، معرفی و دسته‌بندی شاخص‌ها و نشانگرهای عدالت در آموزش عالی بود تا مسئولان با انسجام فکری بیشتری در باب عدالت در آموزش عالی بیندیشند. البته، تحقیقات آینده می‌تواند وزن و اهمیت شاخص ها و نشانگرهای عدالت در آموزش عالی را نیز مورد مطالعه قرار دهد.

در بررسی حاضر، چهار شاخص: ۱- فردی (دانشجو)، ۲- سازمانی (دانشگاه)، ۳- مالی و اقتصادی (سطح خُرد و کلان) و ٤- تطبیقی (بین‌المللی)، برای بررسی عدالت در آموزش عالی احصاء شد و پنجاه نشانگر نیز آن‌ها را پوشش داد. این تحقیق با تحقیق وانتی و همکاران در دو شاخص دانشگاه و دانشجو و تا حدودی در شاخص تأثیر دولت (مثلاً سیاست‌های تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها)، اشتراک دارد (وانتی و همکاران، ۲۰۲۲). «وارد» در مطالعه خود بر این نکته تأکید داشت که آموزش عادلانه مستلزم در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی است (وارد، ۲۰۲۰). در پژوهش حاضر نیز در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی خانواده‌های دانشجویان و تفاوت آن‌ها به لحاظ زبان، مهم قلمداد شده است. به علاوه، این تحقیق همچون پژوهش الکوت و همکارانش به این نتیجه رسیده که نرخ پوشش تحصیلی (نسبت ثبت‌نام ناخالص) یکی از نشانگرهای انصاف و عدالت آموزشی است. ضمن اینکه ایوانز نیز مانند مطالعه حاضر، نسبت ثبت‌نام ناخالص (GER) را یک شاخص پذیرفته‌شده بین‌المللی برای تجزیه‌وتحلیل عدالت و دسترسی به آموزش عالی قلمداد کرده است (آلکوت و همکاران، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، کورنلیوس و هارینگتون (۲۰۱٤) در پژوهش خود سنجه‌های مورد استفاده در تحقیقات مربوط به عدالت اجتماعی را بررسی کرده‌اند (کورنلیوس و هارینگتون، ۲۰۱٤). طبق یافته‌های آنان و در اشتراک با یافته‌های این تحقیق، معیارهای تبعیض بر اساس پیشینه اجتماعی،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

معیارهای مربوط به تفاوت‌های جنسیتی، معیارهای نابرابری بر اساس نژاد، قومیت یا زبان و رفتارهای تبعیض‌آمیز بر اساس پیشینه فرهنگی از مهم‌ترین شاخص‌های عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده است.

به طور کلی، آموزش می‌تواند باعث شکوفایی شود، اما همچنین می‌تواند باعث ایجاد بی‌عدالتی گردد. یک «آموزش خوب» که فقط بر اساس برونداد و نتیجه، قضاوت می‌شود، برای همه بخش‌های جامعه و برای همه افراد، دستاوردهای یکسانی به همراه ندارد. همچنین، گرچه نوع و سطح آموزش رسمی هر فرد به تعیین قشر و طبقهٔ اجتماعی او کمک می‌کند اما موقعیت اجتماعی افراد نیز در تعیین نوع و سطح آموزشی آن‌ها مؤثر است. تا وقتی نظام اجتماعی، مبتنی بر ساختارهای نابرابر در به دست آوردن فرصت‌های ممتاز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، نمی‌توان از عدالت و برابری در دسترسی به آموزش عالی سخن گفت، اما با اتخاذ سیاست‌هایی می‌توان از شدت بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها کاست. ضمن اینکه اصلاحات در زمینه شاخص‌های چهارگانه برشمرده شده در این مقاله، زمانی نتایج کاملی به بار خواهد آورد که هم‌زمان سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز اصلاح شده باشند.

عدالت در کنار آزادی، مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی هستند. عدالت آموزشی به‌عنوان زیرمجموعهٔ مهمی از عدالت اجتماعی توجه برنامه‌ریزان آموزشی را به خصوص در دوران معاصر به خود جلب کرده است. ازآنجاکه ارتقاء عدالت اجتماعی، هدف پذیرفته شدهٔ همهٔ حکومت‌هاست و مردمی‌سازی فرصت‌های آموزشی، از اهداف بزرگ سیاسی است که در غالب کشورهای جهان، قدرت‌های حاکمه حداقل آن را در اصول قبول دارند، چنانچه وضعیت عدالت در نظام آموزش عالی را بدون نظارت مؤثر و تنها به سازوکارهای طبیعی و بازاری واگذار کنیم، بی‌شک توزیع فرصت‌ها و امکانات نیز وضعیت عادلانه‌ای نخواهند داشت. همچنان که گویی در حال حاضر، نظام آموزش عالی ایران نیز این روش را در پیش‌گرفته است و هیچ سیاست اثربخشی برای ارتقاء عدالت در آموزش عالی ندارد؛ اما دیر یا زود، ضرورت تدوین چنین برنامه‌ای آشکار خواهد شد (روشن، ۱۳۸۷). البته، همچنان که درگذشته بوده است، مسئله عدالت اجتماعی در آینده نیز به‌عنوان یک مفهوم مهم، یک چالش جهانی باقی خواهد ماند. هر چند، در جوامع امروزی، عدالت در حال دست‌کاری شدن به نحوی است که به نفع استمرار وضع موجود و حفظ منافع مستقر در حرکت است. در مجموع، انجام اصلاحات در نظام‌های آموزش عالی با هدف ارتقاء وضعیت عدالت آموزشی مستلزم بازتعریف معنای عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی و شناخت شاخص‌های مربوط به آن با رویکردی سیستمی و جامع‌نگر است.

پیشنهادها

- عدالت به‌عنوان یکی از کارکردها، اهداف، رسالت‌ها و یا مأموریت‌های نظام آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی محسوب شود.
- تحقق عدالت به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در نظر گرفته شود.
- سیاست ها و برنامه‌های مرتبط با پولی شدن، کالایی شدن و بازاری سازی آموزش عالی با احتیاط، طرح‌ریزی و اجرایی شود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

- در برنامه های درسی، در برنامه استراتژیک، در برنامه میان مدت و بلندمدت دانشگاه و نیز در آموزش اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاهی، موضوع بهبود عدالت و کاهش تبعیض و به حاشیه رانده شدن گروه‌های مختلف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.
- در طراحی و ساخت فضاهای کالبدی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تناسب با وضعیت معلولان و افراد کم‌توان، لحاظ شود.
- تشکیل انواع فضاهای گفتگویی بین ذینفعان مختلف برای تعیین راهکارهای اجرایی و نیز ترویج فرهنگ عدالت در دانشگاه تشویق و تقویت شود.

این مطالعه بر اساس یافته‌های تحقیق، به‌ویژه بر اجرای پیشنهادهای سیاستی زیر تأکید دارد:

- کارکردهای هنجاری و اخلاقی (مثلاً ارتقاء عدالت) به موازات کارکردهای تکنیکال (فنی) دانشگاه، مد نظر مسئولان و سیاست‌گذاران آموزش عالی قرار گیرد و در اسناد رسمی و بالاسری، اخلاق، یکی از ارکان و کارکردهای دانشگاه محسوب شود.
- برای گروه‌های های محروم اقتصادی و اجتماعی، سهمیه پذیرش در نظر گرفته شود.
- بر افزایش توانایی علمی گروه‌های های محروم اقتصادی و اجتماعی در مقاطع قبل از دانشگاه تأکید شود. از جمله اینکه توسط دانشگاه‌های معتبر کشور در مناطق محروم، مؤسسات آموزشی باکیفیت (در مقطع متوسطه و ابتدایی) تأسیس شود.
- حمایت مالی (از جمله افزایش وام‌های تحصیلی و تسهیل شرایط پرداخت) برای دانشجویان متعلق به خانواده‌های محروم افزایش یابد.

Ahmadreza Roshan http://orcid.org/0000-0002-6738-3144

منابع

Alcott B, Rose P, Sabates R, et al. (2018) Handbook on Measuring Equity in Education. Canada: UNESCO Institute for Statistics.

Autin, F., Batruch, A., & Butera, F. (2015). Social justice in education: how the function of selection in educational institutions predicts support for (non)egalitarian assessment practices. *Frontiers in psychology*, 6, 707. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.00707

Brackley, Dean (2006), HIGHER STANDARDS**,** America Magazine, February 6, 2006 Issue.

Bunn, Matthew & Anna Bennett (2020) Making futures: equity and social justice in higher education timescapes, Teaching in Higher Education, 25:6, 698-708, DOI: 10.1080/13562517.2020.1776247

Clark, Barry & Gintis, Herbert (۱۹۷۸). Rawlsian justice and economic systems. Philosophy and Public Affairs ۷ (۴):.۳۲۵-۳۰۲

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

Cornelius, Llewellyn J., and Donna Harrington, (2014) 'Social Justice Survey Research Indicators', In: *A Social Justice Approach to Survey Design and Analysis*, Pocket Guides to Social Work Research Methods, Oxford Academic, 21 Aug. 2014), https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199739301.003.0004, accessed 19 Jan. 2024.

Evans, P. (2002). Equity Indicators Based on the Provision of Supplemental Resources for Disabled and Disadvantaged Students. In: Hutmacher, W., Cochrane, D., Bottani, N. (eds) In Pursuit of Equity in Education. Springer, Dordrecht. https://doi.org/۰-۴۷۵۷۹-۳۰۶-۰/۱۰/۱۰۰۷_۱۱

Fleurbaey, Marc (2019). "Economic Theories of Justice" Annual Review of Economics, Annual Reviews, vol. 11(1), pages 665-684, August.

Francis, Becky Mills, Martin & Ruth Lupton (2017) Towards social justice in education: contradictions and dilemmas, Journal of Education Policy, DOI: 10.1080/02680939.2016.1276218

Garnett, Janice M. and Huber, Germaine W. (2018) "What is Your Social Justice IQ: Leading Social Justice in Higher Education" Journal of Curriculum, Teaching, Learning and Leadership in Education: Vol. 3: Iss. 1, Article 5.

Gewirtz, S. (2006), Towards a Contextualized Analysis of Social Justice in Education. Educational Philosophy and Theory, 38: 69-81. https://doi.org/10.1111/j.1469-5812.2006.00175.x

Gullickson, Emily B.V. (2016) Diversity and Social Justice in Higher Education: Current issues & strategies for creating an inclusive campus community, Office of Multicultural Affairs, https://humanresources.ku.edu/sites/humanresources.ku.edu/files/docs/Emily_Guillickson_InclusiveCampus.pdf.

Hanesworth, Pauline, Bracken, Seán & Sam Elkington (2019) A typology for a social justice approach to assessment: learning from universal design and culturally sustaining pedagogy, Teaching in Higher Education, 24:1, 98-114, DOI: 10.1080/13562517.2018.1465405

Hayes, Adam(2023) Economic Justice: Meaning, Examples of How to Achieve It, Investopedia, https://www.investopedia.com/terms/e/economic-justice.asp

Järf, Charlotta(2019) New guidelines for policy makers based on years of joint Nordic academic research: How to promote equality and equity in Nordic education, University of Helsinki, http://www.justed.org/how-to-promote-equality-and-equity-in-nordic-education/

Khodaei, Ebrahim (2019) The method of allocating quotas to candidates for entrance exams in flooded areas was announced, IRNA news agency, June 17, 2019. [In Persian]

Loewen, Gladys & Pollard, William (2010) The Social Justice Perspective, *Journal of Postsecondary Education and Disability*, v23 n1 p5-18.

Maguire, Meg (2019) Equality and justice in education policy, Journal of Education Policy, 34:3, 299-301, DOI: 10.1080/02680939.2019.1591709

Markzik, Jeffrey (2007), Principles of research design and methodology, translated by Maryam Khosravi, Iranian Research Institute for Information Science and Technology, Tehran. [In Persian]

McArthur, Jan (2010) Achieving social justice within and through higher education: the challenge for critical pedagogy, Teaching in Higher Education, 15:5, 493-504, DOI: 10.1080/13562517.2010.491906

Mills University (2019) Social Justice in Education: The Role Educational Leaders Play, MA in Educational Leadership, https://online.mills.edu/blog/social-justice-in-education/

Mittal, Pankaj & Anjali Radkar, Anitha Kurup, Ashwani Kharola(2020) Measuring Access, Quality and Relevance in Higher Education, Economic and Political Weekly, 55 (24). pp. 34-38. ISSN 0012-9976.

Morgan, David L. (1996). "Focus Groups". Annual Review of Sociology. ۲۲: ۱۲۹–۱۵۲.

Noël, Alain and Thërein, Jean-Philippe (2005) PUBLIC OPINION AND GLOBAL JUSTICE, Translators: Hamid Pourang and Hamid Razaghpour, Rahbord Tousee(Yas) Scientific quarterly, No. 3. [In Persian]

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]

Osei-Kofi, Nana, Shahjahan, Riyad A. & Lori D. Patton (2010) Centering Social Justice in the Study of Higher Education: The Challenges and Possibilities for Institutional Change, Equity & Excellence in Education, 43:3, 326-340, DOI: 10.1080/10665684.2010.483639

Oxford Dictionaries (2024) focus group - Definition of focus group, Oxford Dictionaries, Retrieved 16 January ۲۰۲۴

Patel, I.G. (1986). Social Justice and Economic Development. In: Essays in Economic Policy and Economic Growth. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/۶-۱۸۳۵۸-۳۴۹-۱-۹۷۸/۱۰/۱۰۰۷ ۹

Resh, Nura & Sabbagh, Clara. (2016). Justice and Education, Pg. 349-368 in *Handbook of Social justice Theory and Research edited by C. Sabbagh and M. Schmitt. Springer, 2016.*

Riddell, S., Weedon, E., & Hjörne, E. (2017). Conceptions of social justice in Scottish and Swedish education systems. Education, Citizenship and Social Justice, ۱۲(۱), ۳–۷. https://doi.org/۱۷۴۶۱۹۷۹۱۶۶۸۳۴۶۴/۱۰/۱۱۷۷

Roshan, A. R. (2008) Distribution of opportunities to enter Iranian public universities, Social Welfare Quarterly. [In Persian]

Roshan, A. R. (2011) Optimizing Student Admission Capacity in Iranian Public Universities, Quarterly Journal of Higher Education Research and Planning, No. 58. [In Persian]

Ross, Sabrina N. (2014) Diversity and intergroup contact in higher education: exploring possibilities for democratization through social justice education, Teaching in Higher Education, 19:8, 870-881, DOI: 10.1080/13562517.2014.934354

Sadeghi, Nahid (2008). An approach to continuous professional development of teachers: a case of using focus group interview method, Journal of Psychology & Education, Vol.38, No.2, PP.47- 75. [In Persian]

Samier, Eugenie A. (2016) Fairness, Equity and Social Cooperation: A Moderate Islamic Social Justice Leadership Model for Higher Education. In: Shultz L., Viczko M. (eds) Assembling and Governing the Higher Education Institution. Palgrave Studies in Global Citizenship Education and Democracy. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/978-1-137-52261-0_3

Shiman, David A.(1999) ECONOMIC AND SOCIAL JUSTICE A Human Rights Perspective, Human Rights Resource Center, University of Minnesota.

Távara, G., & Moodley, S. (2017). Decolonising the academy: praxis and participation: Response to 'Community social psychologies for decoloniality: An African perspective on epistemic justice in higher education' by Shose Kessi. South African Journal of Psychology, ۴۷(۴), ۵۱۷–۵۱۹. https://doi.org/۰۰۸۱۲۴۶۳۱۷۷۳۸۱۸۰/۱۰/۱۱۷۷

Walker, Melanie (2003). Framing Social Justice in Education: What Does the "Capabilities" Approach Offer? *British Journal of Educational Studies*, *51*(2), 168–187. http://www.jstor.org/stable/3122419

Walker, Melanie (2006) Towards a capability-based theory of social justice for education policy-making, Journal of Education Policy, 21:2, 163-85, DOI: 10.1080/02680930500500245

Wanti, M., Wesselink, R., Biemans, H., & Brok, P. den. (2022). Determining factors of access and equity in higher education: A systematic review. *Equity in Education & Society*, *1*(2), 279-296.

Ward , Catherine (2020) Theories of justice underpinning equity in education for refugee and asylum-seeking youth in the U.S.: considering Rawls, Sandel, and Sen, Ethics and Education, 15:3, 315-335, DOI: 10.1080/17449642.2020.1774721

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.1.2.7]